

## د عقرب د دریمې د شهیدانو د ورځې د تجلیل د مظاهری فیصله لیک

مور زرگونه وطنوال، نارینه او ښځې، کارگران او کسب گران، ځوانان او منورین، محصلان او د دی عظیم‌الشانې مظاهری ټول گډون کوونکي چه د ۱۳۴۴ کال د عقرب د دریمې ورځې د یادونې په مناسبت د استبداد، ارتجاع او امپریالیزم ضد مبارزې د شهیدا نو د ورځې د نمانځنې په خاطر جوړه شویده اعلام کوو چه :

۱- د افغانستان خلک د عقرب د دریمې د شهیدانو سپیڅلی روح ته چه د افغانستان ملت د استبداد، ارتجاع او امپریالیزم ضد مبارزې قهرمانان دی خپل نه تمامی‌دونکي او تاوده درودونه استوی.

د افغانستان خلک د ملی، استقلال، دموکراسی او اجتماعی ترقی د تأمین او استقرار د پاره په خپله مقدسه مبارزه کی تل د عقرب د دریمې ورځې د آزادی د لاری له شهیدانوته الهام اخلی.

مور د دی ستری مظاهری گډون کوونکي د عقرب د دریمې ورځې د شهیدانو په وینې باندی قسم خورو چه مورِد دوی د لاری ریښتني ( ۴ مخ)

# درس‌هائی از جنبش ۳‌عقرب

تاریخ چند هزار ساله وطن ما افغانستان گنجینه ایست پر از افتخارات و درخشانترین مدنیت‌های کهن، کانون‌های فرهنگ باستانی، سنن عالیه انقلابی و جنبش‌های آزادی‌بخش، مقاومت و مبارزه علیه اشغالگران اجنبی و نیروهای حاکم ستمگر بخاطر آزادی و استقلال.

در طول تاریخ پر افتخار ملی ما آثار فراوانی از مبارزات در خشان خلق‌های وطن، بیادگار مانده است. مردم آزادی‌خواه کشور ما در سراسر تاریخ، با نیروهای اهریمنی و دشمنان خونریز خارجی و داخلی پنجه نرم کرده و شجاعانه پیکار نموده‌ اند و در هر دوره پرچم پر افتخار مبارزه سهمگین را قهرمانانه برافراشته‌ اند.

با بانگ رسا می‌توان گفت که خلق‌های آزاده و تسلیم ناپذیر ما در دوره های مختلف حیات ملی خود  بارها علیه جباران و

ستمگران داخلی و مهاجمین خارجی نبرد کرده‌ اند و قربانی‌ها داده‌ اند و قهرمانان و شهیدان نامدار و گمنامی بوجود آورده‌ اند.

خاطره‌های تابناک این شهیدان قهرمانان و سرسپردگان راه آزادی و استقلال وطن ما که انعکاس دهنده آرمان‌ها و خواست‌های عمومی خلق‌های افغانستان بوده،‌اند، شورانگیزترین عواطف و مقدس‌ترین نبرد مرگ و زندگی را در دوران ما بیدار می‌کندو شعله‌های فروزان امید و غرور ملی را در دل و جان ما احیاء می‌نماید و مسؤولیت عظیم دوران مبارزه کنونی را در راه رهایی یک نسل رنجدیده مریض و فقیر در برابر ما قرار می‌دهد.

حکم تاریخ است که باید درین راه گام گذاشت و آن را به سرانجام رسانید و از مرگ نترسید، زیر امرگ یک امر طبیعی است. ولی مرگ در راه آزادی و خوشبختی انسان جلال و شکوه خاص دارد که چون مرگ شهیدان ۳‌عقرب الهام بخش راه آزادی و دموکراسی است.

جنبش ملی وضد استبدادی و ضد استعماری ملت افغانستان و پیش‌آهنگان آن در مبارزه بخاطر آزادی، مشروطیت و استقلال وطن و بهبود شرایط زندگی خلق‌های زحمتکش کشور ما قربانی‌های فراوان داده‌ است. این مبارزه آزادی‌بخش تاکنون انجام نیافته و راه مشکل آن تا رسیدن به هدف، جانبازهای و قربانی‌های باز هم بیشتری را ایجاب می‌کند.

انگیزه این گفتار از یکسو تجلیل خاطره شهیدان ۳‌عقرب و قهرمانی جوانان وطن‌پرستی است که با مشت‌های خالی، با قلم و کتابچه در برابر تانک و ماشیندار و نیروهای خشن استبداد از خود مقاومت نشان داده‌ اند و از سوی دیگر گرفتن الهام و سرمشق از آنها برای مبارزه در راه جنبش دموکراتیک و ملی خلق‌های افغانستان در شرایط کنونی است.

واقعیت اینست که نهضت کنونی ما در دوران دشوار مبارزه نو و کهن قرار دارد. درین دوران است که کارنامه‌های جسارت آمیز و قهرمانانه رخ می‌دهد و دلاوران و جانبازان کشور تلاش می‌ورزند تا در دیوارهای استبداد نفوذ کنند. ولی نیروهای خشن استبداد باغرش‌های مغرورانه بنام حفظ نظم و امنیت با ریختن خون خلق و بکار انداختن ماشین آتش آهن با قساوت وحشیانه عمل می‌کنند.

جنبش خونین ۳‌عقرب یکی از شور انگیزترین و هیجان انگیزترین تجلیات دوران نهضت ما و خاطره تابناکیست (ص ۲)

*سپاس فراوان، از رفیق... که این شماره جریده پرچم را در گلنیوسم شخصی خویش که در شورای ترنسوردانها آنرا حفظ و در اختیار «راه پرچم» قرار داده‌ اند.*

### قطعنامه تظاهرکنندگان

### بخاطر تجلیل روز شهدای عقرب ۳‌عقرب

ما هزاران نفر از افراد هموطن اعم از مردان و زنان، کارگران، پیشه‌وران، جوانان، روشنفکران، محصلان و همه شرکت کنندگان درین تظاهر عظیم‌الشان که بمناسبت یاد بود روز ۳‌عقرب ۱۳۴۴ بخاطر تجلیل روز شهیدان در مبارزه ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم تشکیل گردید، اعلام می‌کنیم:

۱- خلق افغانستان درود بی‌پایان و گرم خود را به روان پاک شهیدان سوم عقرب که قهرمانان مبارزه ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم ملت افغانستان‌ اند، می‌فرستد.

۲ - خلق افغانستان در مبارزه مقدس خود بخاطر استقرار و تأمین استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی پیوسته از شهیدان راه آزادی ۳‌عقرب الهام می‌گیرد.

ما شرکت کنندگان نمایش بزرگ امروز بخون شهیدان عقرب سوگند یاد می‌کنیم که ادامه دهندگان صدیق راه آنان باشیم، راهی که باهمه دشواری‌ها سرانجام به پیروزی خلق افغانستان علیه ظلم و ستمگری، علیه استبداد و ارتجاع و علیه فئودالیزم و امپریالیزم خاتمه خواهد یافت. (ص ۴)

### تظاهر عظیم‌الشان و شکوهمند

### بخاطر تجلیل روز ۳‌عقرب، روز شهیدان راه آزادی و دموکراسی

جنبش پیشتاز ۳‌عقرب ۱۳۴۴در تاریخ مبارزات آزادی‌خواهانه ما فروغی تابناک و خاطرهٔ جاویدان از دلبری و قهرمانی کارگران، جوانان و محصلان کشور و نمونه‌یی از قساوت و وحشت استبداد و توطئه جناح دست راستی هیات حاکمه ارتجاعی افغانستان می‌باشد.

روز ۳‌عقرب بمنزله روز شهیدان و تظاهر عمومی خلق افغانستان علیه استبداد، ارتجاع و امپریالیزم شناخته شده است و اکنون ۳ سال ازین روز خونین می‌گذرد و همه ساله تجلیل می‌شود .

امسال نیز با اطاعت از ارادهٔ خلق کشور، از طرف جوانان و محصلان ترقی‌خواه و وطنپرست در یک جلسه مقدماتی بزرگ بروز اول عقرب بر مبنای یک پلتفرم مشترکی که در قطعنامه انعکاس یافته است. از عموم نیروهای ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم درخواست

شعار «آزادی و دموکراسی» در یک تظاهرات در کابل، ۲۰۰۷

گردید تا در تظاهرات روز ۳‌عقرب ۱۳۴۷ بمناسبت این روز تاریخی، روز شهیدان راه آزادی و دموکراسی، اشتراک‌ورزند. به تاسی از آن روز جمعه (۳‌عقرب) بساعت ۹ صبح تظاهرات عظیمی به اشتراک هزاران نفر اعم از زنان و مردان، کل‌گران، پیشه‌وران، جوانان، روشنفکران و محصلان وطنپرست و پیشتاز کشور آغاز و در حالی که پرچم‌های گلگون، شعارها، عکس‌های شهیدان و لوحه‌هایی را با خود حمل می‌کردند به مظاهرهٔ عظیم، پرچلال و باشکوهی پرداختند. این تظاهر، باهبت، عظمت، نظم، و همبستگی بنظری از طرف نیروی متحد ترقی‌خواه و وطنپرست دموکراتیک خلق افغانستان و سایر گروه‌ها و عناصر آزادی‌خواه و ملی وگوار گردید که نموداری از متانت و پختگی، دلیری و سرسردگی در مبارزه بود.

عدهٔ چند نفری از عناصر فریبکار، نفاق افگن، اخلاق‌گر و فتنه انگیز با سلاح فحش و دشنام که خصلت انحرافی بین‌المللی شان است، مذبحوحانه تلاش کردند که اتحاد و همبستگی تظاهرکنندگان آزادی‌خواه و وطنپرست و صفوف رزمندگان نهضت ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم را برهم زنند و عمل مشترک و نظم نمایش را از هم بپاشند. ولی از آنجائی که اتحاد و همبستگی ضامن پیروزی و خونب‌های شهیدان عقرب است این تلاش‌های مذبحوحانه بجای نرسید و جریان نیرومند و عظیم تظاهرات همچنان به پیشروی ادامه داد و این جمعی از خس و خاشاک را از سر راه خود کنار زد و منفرد ساخت تا در پل‌ک زنگار میتنگ پر جلالی دایر گردید.

در جریان تظاهرات خیابانی و میتنگ‌ها که ده ساعت‌را در بر گرفت، در تحت پرچم اتحاد و همبستگی، شعارها و بیانیه‌های پرشور و آتشین علیه کلیه اشکال ستمگری، زنجاع و استعمار نوین و امپریالیزم داده شد. تظاهر بساعت ۶٫۴۵ بعد از ظهر با قرائت و تصویب قطعنامه ختم گردید.

مظاهره و میتنگ قهرمانانه و ظفر آفرین ۳‌عقرب بخاطر تجلیل روز شهیدان نموداری از بیداری شعور سیاسی و مظهر مبارزه طبقاتی خلق‌های زحمتکش کشور ما و خاطره‌ئی از پایدردی‌ها و جانبزئی‌های الهام‌بخش و آزادی‌بخش مردم ماست که در فردای روشن و آزاد د افغانستان پرافتخار ما خواهد درخشید.

برافراشته باد پرچم پرافتخار جنبش ۳‌عقرب!

درود گرم به شهیدان ۳‌عقرب!

## د ملگرو ملتونو د درویشتمی کالیزی په مناسبت

آزادی نهضت په ختیځ ایالت (ستانلی ویل) کې د خپلو قواوو د پلی کولو په وسیله له خاوروسره خاوری کر، او زرگونه کانگوبی مبارزان پی په هغه ایالت کې قتل عام کړلپړ

د آسیا، افریقا خلک او ټول مترقی بشریت هېڅکله دا نشی هیرولاي چه دکانگو قانونی اونماینده حکومت د استعمارچیانو او د هغه هیواد د داخلی مرتجعینو د سازش په اثر د ملگروملتونو تر بیرغ لاندی له پښو وغورځول شو او پاتریس لوممبا د کانگو ملی لاریښوونکی او د آزادی د لاری ستر قهرمان او د هغه د سنگر ملگری د ملگروملتونو د قواوو د وړاندی د کتانگا د سپین پوستو اجبرو حرفوی جنایتکارانو په لاس ووژل شول. نړیوالو داندۀ هیره کری چه څنگه امریکایی امپریالیزم او بلژیکی استعمارگرو د څو معدودو عیسوی میلغینو د ژغورلو په پلمه د کانگو د خپل شویو او قهرمانو خلکو ملی

## ذغال . چوب . آتش

این بود نمونه کوچکی از آنچه بخاطر تسخین در محلات خلق نشین شهر کابل می‌گذشت و آنچه امروز در آن جاها می‌گذرد بمراتب بدتر از آنست.

اینک باز زمستان فرا می‌رسد و هزاران حادثۀ المناک و پرمرگ و مصیبت‌بار به آن انتظار می‌کشند. ستم بر کوی بینوایان دامن خواهد گسترد و صدها سرگذشت الم انگیز ایجاد خواهد کرد، اما این حوادث در ورای غریو زورگویی‌ها

درینجا به نشر سندی می‌پردازیم که علی‌رغم دوسیه سازی‌ها و دسیسه پردازی‌های کارفرمایان مغرور و قدرت

## یک سند موثق در دفاع از حق قانونی کارگران گلبهار

آزادی‌های دموکراتیک و مصرح در قانون اساسی همچنان به حبس و شکنجه عبدالقدوس کارگر شریف و وطنپرست نساجی ادامه می‌دهند.

متن این سند که در جریان تظاهرات از طرف یک عده از وکلای ولسی جرگه بشمول وکلا و والیان پروان و کاپیسا امضا شده و ما کاپی آنرا در پایان این تذکر تقدیم می‌کنیم چنین است:

حضور ج، ع، ج محترم صدراعظم!

ما وکلای ولایت پروان و کاپیسا و قسمتی از کابل و والیان ولایات کاپیسا و پروان برای بار دوم در تظاهرات جمع بزرگی از کارگران فابریکه نساجی گلبهار که طلاب مکاتب هر دو ولایت هم درین تظاهرات اشتراک داشتند حاضر شده و با مظاهره چیان مذاکراتی انجام دادیم اینک مشاهدات خود را ذیلاً بشرف عرض می‌رسانیم: (ص ۳)

سر محمد

ناشرانیدشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (سی و سوم) دوشنبه ۶عقرب۱۳۴۷ هـ- ۲۸ اکتوبر ۱۹۶۸

شرایط داخلی و خارجی تکامل در کشورهای مختلف از هم متفاوت اند و گذار از يك سیستم اقتصادی و اجتماعی به سیستم دیگر در تمام جهان همزمان و به یکبارگی صورت نمی‌گیرد. لذا بطور کلی جامعه بشری در مرحلهٔ معینی از تکامل خود تصویری مغلق و پیچیده از سیستم‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی، طرق زندگی طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی، ملل و دول را ارائه و یک بر دیگر تأثیر وارد می‌نمایند و غالباً بین آنها مبارزه سرسختی در جریان می‌باشد.

هرگاه بشریت معاصر را در نظر بگیریم به مشاهده می‌رسد که یک ثلث آن در زیر نوای سوسیالیزم زندگی می‌کند و دو ثلث دیگر آن در کشورهای غیرسوسیالیستی بسر می‌برد.کشورهای گروپ دوم در مراحل مختلف تکامل خود، یعنی از نظامات ماقبل سرمایه‌داری گرفته تا پیشرفته‌ترین مرحله سرمایه‌داری (امپریالیزم) واقع هستند. علاوه بر آن ملیون‌ها انسان در قاره‌های آسیا، افریقا و امریکای لاتین در اسارت سرمایه‌داری رنج می‌برند. که بطور کلی این وضع جامعه بشری و مراحل مختلف تکامل آن تحت عنوان «دوران» افاده میگردد. مفهوم «دوران» عبارت است از بیان پدیده‌های متنوع تاریخ بشری و تفکیک پدیده‌های عمده و غیر عمده.

بنابر آن باید در تحلیلات خویش بین پدیده‌های عمده از غیر عمده فرق نمانیم. تمایل عمده تکامل اجتماعی را در هر یک از مراحل معین تشخیص کنیم و نشان دهیم طبقه‌یی که این تمایل عمده را پیش‌آهنگی می‌نماید، ضرورت عمده ایست که یک «دوران» را مشخص می‌سازد.

«درجه سرعت و موفقیت جنبش‌های مختلف تاریخی در یک دوران معین در تکامل فهمیده شده نمی‌تواند. آنچه فهمیده شده می‌تواند اینست که کدام طبقه اجتماعی به مرکز این یا آن عصری قرار دارد که مضمون عمده وجهت عمدهٔ تکامل آن، سیمای عمده و وضع تاریخی آن دوران را مبارزه تعیین می‌نماید…»

برای تشخیص دوران معین باید اول تعیین نمائیم که بشریت یکدام جهت حرکت می‌کند و کدام یک از طبقات از این حرکت نمایندگی می‌نماید.

از (ص اول)

که خلق ما دژ استبداد را به لرزه درآورد و در آن رخنه ایجاد کرد و برای نخستین مرتبه و بشکل نوین از یکسو باعث سقوط حکومت وقت شد و از سوی دیگر شوری را از جا تکان داد و هیأت حاکمه ارتجاعی کشور را متوجه اعمال سیاهش گردانید و به آنها درس عبرت داد (اگر عقل سلیم دارند) دیگر برخ مردم آتش نکنند و یکشمار دست نزنند.

واقعهٔ خونین ۳ عقرب این مظهر خشم خلق افغانستان، این انفجار عقدهٔ سال‌ها تحمل ظلم و ستمگری که انگیزهٔ خود را از مبارزه پارلمانی گرفت، ملت افغانستان را از خواب دیرین بیدار ساخت و صدای نیرومند اعتراض آنرا بر ضد این همه بی‌عدالتی‌ها بگوش مردم جهان رسانید.

جنبش ۳ عقرب که باشتراک کارگران، جوانان، محصلان، روشنفکران، پیشه وران و شهریان کابل صورت گرفت در کشور ما روشنگر این حقیقت عظیم بشمار می‌رود که در دوران ما هیچ پیروزی در مقیاس ملی و بین‌المللی بدون نبرد علیه نیروهای بی‌رحم استبداد و ارتجاع و امپریالیزم میسر نیست.

جنبش ۳ عقرب برای ما آموخت که دوران

## یک تحلیل علمی از دوران معاصر

**مضمون عمده دوران معاصر :**

ایدیولوگ‌های بورژوانی که منافع طبقاتی آنها را کوه نموده، مراحل مختلف تکامل جامعه بشری را در نظر نمیگیرند. آنها که فاقد میتود علمی معرفت اند، قادر نیستند تنوع و پیچیدگی دوران مارا بفهمند. برخی از آنها بوضاحت می‌گویند که تشخیص خصلت دوران معاصر ممکن نیست و نمی‌توان تعیین کرد که تمدن معاصر بشری در کدام جهت رشد می‌یابد. زیرا حوادث اجتماعی نامعلوم و سیاست و ارزیابی عینی از آنها میسر نیست.

دسته‌یی دیگر از جامعه شناسان بورژوانی سعی می‌ورزند باثبات رسانند که آنچه خصلت دوران معاصر را تشخیص می‌دهد، عبارت از انکشافات تخنیکی و بطور عمده کشف نیروی اتومی می‌باشد. از آنرو آنها بمب اتوم را در مرکز دوران معاصر قرار می‌دهند و دوران معاصر را بنام دوران «هسته‌یی» و «دوران بمب اتوم» می‌نامند. بطور مثال فیلسوف آلمان غرب کارل یاسیرس می‌نویسد: «بمب اتوم وضع جدیدی را بوجود آورده است.» با وجود اینکه انقلاب کنونی ساینس و تکنالوژی در تکامل اجتماعی نقش با تاریخ ارزشی را بازی می‌نماید، ولی تکامل جامعه منحصر به تکنالوژی و انکشافات تخنیکی شده نمی‌تواند بلکه ساینس و تکنالوژی، در تکامل جامعه از طریق سیستم پیچیده مناسبات اجتماعی و اولتر از همه از طریق روابط تولیدی مسلط در جامعه تأثیر وارد می‌نماید. از آنرو باید در وقت تحلیل دوران معاصر بطور عمده روابط تولیدی و در عقب آن نیروهای طبقاتی موجود در جامعه را در نظر گرفت.

جهان بینی علمی یگانه علمییست که دوران معاصر را علماً توضیح می‌کند

باساس این تحلیل گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیزم یک عمل منفردانه نیست، بلکه بحیث یک دوران کامل مبارزه بین دو سیستم متضاد اجتماعییست که طبقه کارگر بین‌المللی عامل اساسی آن می‌باشد.

تعریف جامع و خلاق دوران معاصر اینست: «دوران معاصر که مضمون عمدهٔ آنرا جریان انتقال از سرمایه‌داری به سوسیالیزم تشکیل

می‌دهد، عصر مبارزه دو سیستم

اجتماعی متناقض، عصر انقلاب‌های سوسیالیستی و رهای بخش ملی، عصر اضمحلال امپریالیزم و انحلال سیستم استعماری، دوران ورود ملل همواره تازه تر به شاهراه سوسیالیزم، عصر شکوه و جلال سوسیالیزم بمقیاس سراسر جهان است. محور دوران معاصر طبقه کارگر بین‌المللی و آفریده عمدهٔ او یعنی سیستم جهانی سوسیالیزم است.»

تکامل جامعه معاصر و عمل مبارزه انقلابی آزادی‌بخش خلق‌ها صحت این تعریف را باثبات می‌رساند و پیروزی سوسیالیزم در یک عده کشورها و تبدیل آن به سیستم نیرو مندجهانی زوال امپریالیزم و ورشکستگی استعمار، حوادث تعیین کننده دوران ما محسوب می‌گردد.

**(ترجمه وتلخیص)**

**(د لومری مخ پانی)**

## د ملگرو ملتونو …

آزادی غوښتونکی په و حشيانه توگه وژنی او سلگونه پښتونستاني آزادی‌خواهان د آزادی غوښتلو او د سر نوشت د ټاکلو په لاره کی د مبارزی په علت د پاکستان په زندانونو کی یرل کیږی او زجر وینی او د بلوچستان آزادی غوښتونکی د پاکستی استعمارچیانو د توپونو او ټوپکو هدف کرځی.

له یوه کال نه زیاته موده تیره شویده چه د اسرانیلو تش په نامه دولت د امپریالیستی هیوادونو د هر اړخیزی اقتصادی، نظامی او سیاسی مرستی له کبله د ملگرو ملتونو د متعددو فیصلو په خلاف، د عربی هیوادو نو مربوطی خاور ی چه دده تر اصلی خاوره خو ځلی پراخیدی تر خپل اشغال لاندی ساتلی او د هغوی خلک د هنتری فاشیستانو په توگه بږوی. اوس تر یو ملیون زیات عر بی مهاجرین په سرگردانی کی تر ټولو خوار ژوند او بده وضعه گالی او د فقر او مرض په منگولو کی لاس او پښی وهی.

دا او لسگونه نور لاینحل پرابلمونه زموږ په نړی کی د استعماری تسلط

پرچم

آسه‌مایي

آسه‌مایي

آسه‌مایي

حق داشتن فکر و اندیشه آزاد و ابراز آن بوسیله گفتار، نوشته، تصویر یا امثال آن یکی از حقوق مسلم دموکراتیک مردم بشمار می‌آید و از هرگونه تعرض مصئون است و منحیث پرنسیپ هیچ قدرتی، اعم از قدرت‌های دولتی و غیره، نمی‌تواند مانع استفاده ازین حق گردد. معهدا در طول تاریخ این حق ثابت فرزندان بشر قید و بندهای گوناگونی را گذرانده است.

همیشه طبقات ممتاز و عالی جامعه و آثانی که حیات مرفه شان بر مبنای استثمار و بهره کشی از اکثریت عظیم توده‌های انسانی استوار است فکر و اندیشه دیگری جز حفظ مقام و موقعیت غارتگرانه خود نداشته اند، بنابر آن از یکسو پابند افکار ارتجاعی و کهنه بوده اند و از سوی دیگر بیوسته سعی کرده اند تا تصورات غلط و واهی

و اندیشه‌های تعصب آمیزی را ترویج نمایند و در برابر هرگونه افکار و اندیشه‌های جدید مقاومت وحشیانه‌یی از خود نشان دهند. بدین جهت طبقات حاکمه در دوران‌های مختلف تاریخی اشخاصی را که با آنها همفکر نبوده اند مورد عذاب‌ها و شکنجه‌های طاقت فرسائی قرار داده اند. همه می‌دانند که موسسات و محاکم تفتیش عقاید انکزیسیون اروپا در قرون وسطی علیه آزادی فکر و اندیشه که با امتیازات بی‌حد و حصر طبقات حاکمه بر خورد می‌کرد،، عکس‌العمل قساوت آمیزی از خود نشان می‌دادند. صدها اثر گرانب‌های علمی را طعمه حریق می‌ساختند و دانشمندان فلاسفه و متفکرینی که به ابراز حقایق همت می‌گماشتند تحت زجرها و شکنجه‌های خیلی وحشیانه و غیرانسانی، تا سرحد قطع اعضا، بدار آویختن و سوختاندن قرار می‌گرفتند. واقعه مشهوریست که گالیله عالم بزرگ و شهر بر را بجرم اینکه اعلام داشت زمین می‌چرخد، مورد تحقیر و شکنجه‌های وحشیانه‌یی قرار دادند.

تلاش‌های طبقات حاکمه ارتجاعی و ستمگر، در جهت جلوگیری از بروز افکار نوین و مترقی و در جهت پخش و اشاعه افکار تخدیر کننده و تعمیم و ترویج خرافات و تعصبات، تنها مختص به دوران‌های قرون وسطایی نمی‌باشد، بلکه بعد از آن نیز تا همین اکنون به وسایل گوناگون تبلیغاتی، وضع قوانین خاص ارتجاعی و غیره در برابر اندیشه‌های مترقی شدت عمل نشان داده اند. در اروپای قرن نژده (با وصف اینکه انقلاب کبیر فرانسه را گذرانده بود و اعلامیه حقوق بشر (۱۷۸۹) در ماده یازدهم خویش اعلام کرده بود: «آزادی فکر و عقیده یکی از حقوق گرانبهای بشر است…») هزاران تن از آزادی‌خواهان منورالفکر قربان "آزادی" سرمایه‌داری (لیبرالیزم بورژوازی) گردید.

همه می‌دانند فجایی که استعمارگران غرب در مورد خلق‌های قاره‌های آسیا، افریقا و امریکای لاتین مرتکب شدند و بخاطر حفظ منافع غارتگرانه استعماری خود در برابر هرگونه اندیشه آزادی‌خواهی و استقلال طلبی وحشیانه عمل کردند و یا همین اکنون در برابر خلق‌های کشورهای مستعمره و وابسته اعمال می‌گردد، لکه سیاه و ننگینی است به دامن تاریخ معاصر بشری، همچنان در دوران وحشت فاشیزم هنتری مفکرین و ملیون‌ها انسان مترقی و آزادی‌خواه مخالف نازی‌ها و فاشیست‌ها به اشکال بسیار فجیعی که تاریخ نظیر آنرا ندیده بود، محکوم به شکنجه و مرگ و طعمه کوره‌های آدم‌سوزی گردیدند. امروز نیز در بزرگترین کشور سرمایه‌داری (امریکا )که مجسمه باشکوه آزادی آن در معرض دیدگاه ملیون‌ها انسان قرار دارد در برابر آزادیخواهان و سیاهبوستان مشکلات عظیمی

در خاتمه به صراحت اعلام می‌داریم که نیروی دموکراتیک خلق افغانستان رسالت تاریخی و ملی خود می‌داند تا از اینپهمه میراث‌های عظیم و الهام‌بخش شهیدان راه آزادی و استقلال ملی حفاظت نماید وراه نجاتبخش عادلانه و انسانی آنان را تا سر حد پیروزی ادامه دهد!

ما ایمان راسخ داریم که خلق‌های زحمتکش افغانستان با مبارزه متحد خود سرانجام بر نیروهای ارتجاع سیاه پیروز خواهد شد!

درد برون پاک تمام شهیدان وطن که خون آنها وثیقهٔ اتحاد،آزادی، دموکراسی، ترقی اجتماعی و استقلال ملی کشور ماست!

**بيرك كارمل**

**شماره (سی و سوم)**

**از فصل آزادی‌های دموکراتیک مردم**

## آزادی فکر و بیان

خلق می‌گردد، علیه افکار دموکراتیک و مترقی حساسیت نشان داده می‌شود و قیودات طاقت فرسایی ایجاد می‌گردد.

لهذا اصل مسلم اینست که تا تسلط طبقات حاکمه مرتجع بر جوامع بشری برقرار باشد و تا زمانی که روابط کهنه اجتماعی به نفع طبقات ستمگر مستقر بوده و تمام موسسات زیر بنائی و روبنائی جامعه در اختیار آنان، باشد، همیشه آزادی واقعی فکر و بیان مورد توطئه و تهاجم وحشیانه قرار می‌گیرد و مذبحخانه تلاش می‌شود که با پخش و گسترش ایدئولوژی بورژوائی و تبلیغات وسیع تخدیرکننده طبقات محروم جامعه را تابع منافع طبقاتی و اندیشه‌های اسارت آور خویش سازند و در برابر آزادی فکر و بیان قیودات وسیعی ایجاد کنند.

ولی از آنجائی که جهان بر طبق قوانین عینی تکامل پیوسته در تغیر و حرکت است و همیشه شرایط نو و فکر نو جایگزین شرایط کهنه و فکر کهنه می‌گردد، علی‌رغم ارادهٔ طبقات حاکمه ستمگر تمدن و فرهنگ نوین و مترقی جهان رشد می‌یابد، و وضع اجتماعی و ذهن و اندیشه انسان از حالات ابتدائی به مدارج عالی تکامل می‌کند. چنانکه در اثر مبارزات سرسخت پیشران آزادی فکر و بیان که علیه اسارت‌های فکری شجیعانه قیام کردند و قربانی‌های عظیمی را متحمل شدند، آزادی اندیشه و بیان تا حدودی تأمین گردیده و در قوانین اساسی بسیاری از کشورها بحیث یک اصل تخطی ناپذیر قبول شده است . اما البته در جوامعی که نظام‌های نوین مترقی اجتماعی مستقر است و در آنها از وجود طبقات متخاصم و استثمار انسان از انسان اثری نیست، آزادی واقعی فکر و بیان بر مبنای جهانبینی علمی و منافع تمام خلق در نظر و عمل وجود دارد.

**اما در کشور ما** تاریخ گواه مظالم و تعرضات علیه آزاداندیشی و تفکر سالم، حوادث فجیع و دراماتیک و شکنجه و اعدام و حبس و تبعید آزادفکران و آزادی‌خواهان ملی و مشروطه خواهان است، شواهد تا ریخی باز گوینده این حقیقت تلخ و دردآور است که چطور درکشور ما قضاوت‌های خودسرانه فردی، اتهامات، افتراءت و دسایس باعث تباهی هزاران انسان منورالفکر و آزادی‌خواه و خانواده‌های آنان گردیده است و جلو نفوذ هرگونه فکر و اندیشه تازه و مترقی در مراحل مختلفی با تمام شدت و بشیوهٔ عمل موسسات تفتیش عقاید قرون وسطائی و استبداد شرقی گرفته شده است.

هم اکنون که در ماده سی و یکم قانون اساسی از آزادی فکر و بیان دفاع شده است و میگوید که «آزادی فکر و بیان از تعرض مصئون است» و با وصف اینکه سال‌ها قبل در پای اعلامیه جهانی حقوق بشر نمایندگان افغانستان امضاء کرده اند و در ماده هجدهم این اعلامیه گفته می‌شود که «هر کس حق دارد از آزادی فکر و وجدان بهره مند شود.» ولی در عمل برای آزادی فکر و بیان درکشور ما مصئونیت و ضمانتی وجود ندارد محافل حاکمه ارتجاعی به اشکال توطئه‌آمیزی پیوسته تلاش می‌نمایند تا اصل آزادی فکر و بیان مصرح در قانون اساسی را با تصویب قوانین فرعی بشکل توطئه آمیزی در عمل از بین ببرند و استفاده ازین حق دموکراتیک و قانونی مردم را برای محافل و طبقات حاکمهٔ ستمگر و مرتجع خاص و منحصر سازند. بنابر آن ضرورت حکم می‌نماید تا در جهت تأمین آزادی فکر و بیان در عمل مبارزه کرد و این حق مسلم خلق را بکرسی نشاند و استقرار بخشید.

<div><span><span></span></span></div>
<div><span><span></span></span></div>

به ادارهٔ محترم جریده پرچم!

یکعده از مامورین وزارت معادن و صنایع می‌خواهند يك اتحادیه قانونی را ایجاد نمایند.

لهذا مرانامه - اساسنامه و صلاحیتنامه آن ترتیب و در ظرف (دو) ورق بغرض نشر فرستاده شد تا علاقه‌مندان بعد از مطالعه نظر خود را در باره بنگارند و هم از مراجع قانونی دولت خواهش می‌شود که لطفاً از نظر قانونی نیز بان روشی اندازند تا بعد از آن در تطبیق عملی آن اقدام گردد.

با احترام (محل امضای سی نفر ماموران و کارگران)

#### مقدمه

با پیروی از مقدمه قانون اساسی که می‌گوید: «بمنظور تأمین عدالت و مساوات، تطبیق دیموکراسی سیاسی - اقتصادی و اجتماعی، بمنظور تشکیل يك جامعه مرفه و مترقی بر اساس تعاون اجتماعی و حفظ کرامت انسانی ...» و به مقصد تطبیق عملی مادهٔ بیست و پنجم قانون اساسی که نوشته شده: «تمام مردم افغانستان بدون تبعیض و امتیاز در برابر قانون حقوق و وظایف مساوی دارند» و بغرض جلوگیری از دستبرد و چپاول بیت‌المال و سوء استفاده از قدرت‌های دولتی برای مقاصد و منافع شخصی و قانون شکنی‌ها به استفاده ماده سی و دوم قانون اساسی و همچنان مستند به بند (۴) مادهٔ (۲۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر که متذکر است «هرکس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت کند.»

به ابتکار یکعده از مامورین وزارت معادن و صنایع «اتحادیه ماموران کارگران و مستخدمین وزارت معادن و صنایع» ایجاد می‌گردد که این اتحادیه دارای مرانامه و اساسنامه و صلاحیت‌نامه ذیل می‌باشد:

#### مرانامه

مرام از تاسیس «اتحادیه ماموران کارگران و مستخدمین وزارت معادن و صنایع» نخست دفاع از منافع صنفی و حقوق قانونی اعضاء این اتحادیه از قبیل: مسئله نان، حاضری، کوپون، خطریه، کوپراتیف و بیمه صبحی، معاش، ترفیع و تقاعد، چانس تحصیل، اضافه کاری، سفر خرج رفتن به ساحه کار، مقرری‌ها به اساس لیاقت، تهیه ترانسپورت رفت و آمد در بالای کار، کمک برای هر عضو اتحادیه در صورت برطرفی، مرضی، عروسی، و یا کدام واقعه غیرمترقبه و غیره موضوعات صنفی و قانونی می‌باشد و ثانیاً افشاء اعمال غیرقانونی و ضد کرامت انسانی و ضد دیموکراتیک و استفاده‌های نامشروع اشخاص و مقامات از قبیل سوءاستفاده از موترها، روغنیات منازل و غیره اموال متعلق به بیت‌المال، رشوت‌ستانی‌های گوناگون و خیانت به منافع عمومی وطن عزیز ما افغانستان.

#### اساسنامه

«اتحادیهٔ ماموران - کارگران و مستخدمین وزارت معادن و صنایع» براساس مرکزیت دیموکراتیک تشکیل می‌گردد به این ترتیب که:

۱- تمام مقامات اداری و رهبری اتحادیه به اساس انتخابات آزاد ایجاد می‌گردد.

۲ - در تمام امور اقلیت از اکثریت اطاعت می‌کند.

۳ - معلومات و اطلاعات در بارهٔ امور

## باید در راه تأسیس اتحادیه‌ها

### مجدانه مبارزه کرد

از آنجائی که پرچم ناشر اندیشه‌های موکراتیک خلق افغانستان بر اساس اصول مرامی و بر اساس خط مشی جاری خود در راه تاسیس و تشکیل اتحادیه‌های صنفی، حرفه‌ای و اقتصادی اصناف و قشرهای زحمتکش کشور اعم از کارگران دهقانان، پیشه وران، زنان، روشنفکران محصلان، جوانان و ماموران و مستخدمان پائین رتبه مجدانه مبارزه می‌کند، اقدام قانونی، شجاعانه و هوشیارانه کارگران و ماموران پائین رتبه و مستخدمین وطن‌پرست وزارت معادن و صنایع را بانگاه تقدیر و ستایش می‌نگرد و پشتیبانی خودرا بآن اعلام می‌دارد و خواهان آنست که دیگر طبقات و صنوف زحمتکش کشور نیز گام بگام مطابق به آزادی‌های مصرح در قانون اساسی به تأسیس و تشکیل اتحادیه ها و سندیکاهای خویش مبادرت ورزند.

### اتحادیه مامورین و کارگران وزارت معدن و صنایع

شخصی مذکور عضویت آنرا دارد بالا و از بالا به پائین تبادل می‌گردد.

۴ - هر یکی از عضو اتحادیه به نظام و دسیلین اتحادیه جداً احترام و اطاعت نموده، دستورات مقامات مافوق را بدون قید و شرط عملی می‌کند.

۵ - هر عضو اتحادیه مکلف است که به نفع اتحادیه فعالیت و از عملیات تخریبی جلوگیری و مرتکبین آنرا افشاء نمایند.

۶ - هر عضو اتحادیه مکلف است که برای تطبیق اهداف این اتحادیه بدون حمل سلاح، مسالمت آمیز و قانونی عمل نماید.

##### شعبات اتحادیه

۱- **حوزه ها:** حوزه ها - ۳ - ۵ - ۷ تا به ۹ نفر می‌باشد. هر حوزه در راس خود یک منشی می‌داشته باشد. حتی‌الامکان حوزه‌ها به اساس ساحه کار و صنف کار تشکیل می‌گردد .

۲ - **هیئت اداری:** هیئت اداری ۱۱ - ۱۵ تا

۱۹ نفر می‌باشد که هیئت اداری در راس خود يك هیئت رئیسه و هیئت رئیسه در راس خود یکنفر رئیس می‌داشته باشد.

۳ - **هیئت رئیسه:** هیئت رئیسه ۵ - ۷ تا به ۹ نفر می‌باشد که در راس خود یکنفر رئیس میداشته باشد که بحیث رئیس کل اتحادیه است.

#### شرایط عضویت

۱ - قبول مرام نامه و اساسنامه اتحادیه.

۲ - اشتراك در جلسه‌های مربوطه اتحادیه.

۳ - دادن حق‌العضویت فیصد يك افغانی از معاش در هر ماه.

۴ - اطاعت از انضباط و دسیلین اتحادیه

۵ - فعالیت برای تقویه و به نفع اتحادیه

۶ - مدیر عمومی و از آن بالاتر شامل اتحادیه شده نمی‌تواند. کسانی که قبل از رسیدن برتبه‌های مذکور شامل اتحادیه شده باشند از این امر مستثنی است ...

#### صلاحیت‌نامه شعبات اتحادیه

۱ - باصلاحیت‌ترین ارگان اجتماع اعضاء اتحادیه می‌باشد که بصورت عادی سال یکبار برای انتخاب هیئت اداری صورت می‌گیرد. البته در موارد ضروری در اثر دعوت هیئت اداری که بوسیله هیئت رئیسه ابلاغ می‌گردد نیز اجتماع عمومی بطور فوق‌العاده هم صورت گرفته می‌تواند.

۲ - بعد ازاینکه اجتماع عمومی اعضاء اتحادیه ختم گردید و هیئت اداری را انتخاب نمودند صلاحیت آن به هیئت اداری انتقال می‌یابدکه بعد از آن باصلاحیت‌ترین مقام در اتحادیه هیئت اداری می‌باشد.

۳ - بعد ازاینکه هیئت هیئت اداری هیئت رئیسه را انتخاب نموده باصلاحیت‌ترین مقام هیئت رئیسه می‌باشد.

۴ - پس ازاینکه هیئت رئیسه رئیس کل اتحادیه را انتخاب می‌نماید رئیس اتحادیه ممثل صلاحیت کل اتحادیه می‌باشد.

تمام مقامات اتحادیه بصورت معمول تا یکسال انتخاب می‌گردند بعد. از یکسال انتخابات تجدید می‌گردد. اگر در بین یکسال رئیس اتحادیه بنابر عوامل و معاذیری از بین برود هیئت رئیس می‌تواند بجای آن شخص دیگری را انتخاب کند. اگر رئیس اتحادیه و یا یکی از اعضاء هیئت رئیسه هیئت اداری و حوزه ها مرتکب اعمال خلاف مرام‌نامه و اساسنامه اتحادیه میگردد ب اساس رای اکثریت هر مقام که

<div><span><span></span></span></div>
<div><span><span></span></span></div>

پشتو:

خاص او عام اقتصادی قوانین:

د تولید هره شیوه خانته د مخصوصو اساسی اقتصادی قوانینو لرونکي ده چه د هغوی ماهیت د تولید شیوه او د هغی اساسی جنبی او هغی د تکامل اصلی خطوط بیانوی.
سره د دی باید په نظر کې ونیول شی چه ټول اجتماعی ساختونه (جوړښتونه) پداسی حال کی چه خپل مخصوص قوانین لری د عامو اقتصادی ساختونو په مورد کی صدق کوی د دی عامو قوانینو د جملی نه یو د تولید د مناسباتو او مولد قوتونو (نیروگانو) د خصلت تر مینځ د تطابق د ضرورت قانون دی. بنا پر دی اجتماعی ساختونه سره د دی چه د خپلو خاصو اقتصادی قوانینو په وسیله له نورو اجتماعی ساختونو جلا شویدی خو د عامو اقتصادی قوانینو په وسیله یوله بل سره پیوند موی.

#### \*\*\*

**د مختلفو دورانونو تاریخی شکلونه:**

د اقتصاد علم د تولید د مناسباتو عمده شکلونه چه تاریخ پېژندلی دی تر مطالعی نیسی . دا شکلونه عبارت دی له د لومړنی اشتراکي شکل د مریتوب (بردگي) شکل، فیودالی شکل، سرمایه داری شکل او سوسیالستی شکل.

لومړنی اشتراک یو اجتماعی رژیم دی چه د طبقاتو تر شته کیدو د مخه را پیدا شویدی. مریتوب، فیودالیزم او سرمایه داری د طبقاتی ټولنو مختلف شکلونه او د زیاریستونکو پرگنو پر استثمار مبتی دی.

سوسیالیزم یو داسی اجتماعی رژیم دی چه له یو انسان نه یی د بل انسان استثمار پای ته رسولی دی.

#### \*\*\*

**د اقتصاد د علم تعریف:** بنا پردی د **اقتصاد علم یو داسی علم دی چه په اجتماعی تولید کی یو له بل سره د انسانانو مناسباتو، وده یا په بل عبارت د انسانانو اقتصادی مناسبات مطالعه مطالعه کوي.** او همدا راز د **اقتصاد علم هغه قوانین چه د تکامل په مختلفو مراحلو کی د بشری ټولنی د مادی غوښتنو پر تولید او توزیع حاکم دی، څیړی او ښی یی.**

#### \*\*\*

**اقتصادی مقولات:** د اقتصادی رژیمونو د علمی مطالعی به ترڅ کی یو لړ داسی مفاهیم را ایستل کیږی چه د تولید د واقعی روابطو تیوریک بیان په اقتصادی رژیم کی تر مطالعی لاندی دی. دی مفاهیموته اقتصادی مقولات وایي مثلاً کالی، ارزښت، پیسی، بهره سود، او نور.

هغه اسلوب چه کارل مارکس د سر مایه‌داری اقتصاد مطالعی ته ټاگی دی دا دی چه تدریجاً د اقتصادی مقولاتو له ډیر ساده تحلیل یعنی له کالیو نه د هغوی د ډیرو پیچلو تحلیلونو خواته ځی. دا اسلوب په عین حال کی د ټولنو له تکامل او ودی سره هم سر خوری، چه له کتنیو شکلونونه پورتنیو شکلونو ته ترقی کوی.

له دی مقدماتو څخه څرگندیږی چه د اقتصاد علم له هغو مهمو مسایلو سره سروکار لری چه د ټولنی د ژوند په واقعیت کی موجود دی او په نتیجه یو علم دی چه د افرادو، ټولنی او طبقاتو له حیاتی کتو سره نژدی ارتباط لری. بنا په دی د تعجب ځای ندی چه د اقتصاد د علم د بیلو بیلو برخو په باره کی د دی علم پوهانو ترمنځ اختلاف شته دی، ځکه چه د اقتصاد پوهان، له ټولنی څخه جلا نه دی او د طبقاتی گټو په اساس پدی علم بانندی قضاوت کوی.

له همدی کبله ویلای شو چه د اقتصاد څو ډوله علمونه موجود دی.

د بورژوائی اقتصاد علم او د پرولتاری اقتصاد علم او همدا شان د متوسطو طبقاتو یعنی د کوچنی بورژوازی د اقتصاد علم.

## اقتصادی تعریفونه او اصطلاحات

**مأخذ : د علم اقتصاد رساله**

<div><span><span></span></span></div>
<div><span><span></span></span></div>

هر شیوه تولید دارای قوانین اقتصادی اساسی مخصوص یخود است که ماهیت آن شیوه تولید و جنبه‌های اساسی و خطوط اصلی تکامل آنرا بیان می‌نماید.

با وجود این نباید از نظر دور داشت که کلیه ساختمان‌های اجتماعی در عین اینکه قوانین مخصوص یخود دارند، تابع قوانین عام اقتصادی نیز استند که در مورد کلیه ساختمان‌های اقتصادی صدق می‌کند. از جملهٔ این قوانین عام، قانون ضرورت تطابق بین مناسبات تولید و خصلت نیروهای مولد است. بنابر این ساختمان‌های اجتماعی در عین اینکه بوسیله قوانین اقتصادی خاص خود از ساخت‌های دیگر اجتماعی جدا استند، بوسیله قوانین عام اقتصادی با یکدیگر پیوند می‌یابند.

#### \*\*\*

**اشکال تاریخی دوران‌های مختلفه:**

علم اقتصاد اشکال عمده مناسبات و تولید را مورد مطالعه قرار می‌دهد این اشکال عبارتند از: شکل اشتراک ابتدئی، شکل بردگی، شکل فیودالی، شکل سرمایه داری و شکل سوسیالیستی.

اشتراک ابتدائی، رژیم اجتماعی است که قبل از پیدایش طبقات بوجود آمده است. بردگی، فئودالیزم و سرمایه داری اشکال مختلف اجتماعات طبقاتی مبتنی بر استثمار توده‌های زحمتکش استند.

سوسیالیزم عبارت از رژیم اجتماعی است که به استثمار انسان از انسان دیگر خاتمه بخشیده است.

**تعریف علم اقتصاد:** بنابرین **علم اقتصاد** عبارت از آن علمیتست که رشد مناسبات انسان‌ها را با یکدیگر در تولید اجتماعی، یا بعبارت دیگر مناسبات اقتصادی انسان‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد و همچنین علم اقتصاد قوانینی را که حاکم بر تولید و توزیع خواسته‌های مادی اجتماع بشری در مراحل مختلفه تکامل آن استند، تحقیق کرده نشان می‌دهد.

#### \*\*\*

**مقولات اقتصادی:** در ضمن مطالعه علمی رژیم‌های اقتصادی یک رشته مفاهیمی انتزاع می‌شوند که بیان تئوریک روابط واقعی تولید در رژیم اقتصادی مورد مطالعه است. این مفاهیم را مقولات اقتصادی می‌خوانند مثل متاع، ارزش، پول، بهره، سود و غیره.

اسلوبی که کارل مارکس برای مطالعه اقتصاد سرمایه داری انتخاب نموده اینست که تدریجاً از تحلیل ساده‌ترین مقولات اقتصادی یعنی متاع بطرف تحلیل بغرنج ترین آنها می‌رود. این اسلوب در عین حال با تکامل و رشد اجتماعات نیز که از اشکال پائینتر به اشکال بالاتر ترقی می‌کنند، انطباق دارد.

از این مقدمات واضح می‌شود که علم اقتصاد سر و کارش با مسائل مهمی است که در واقعیت زندگی اجتماع وجود دارند و بآلنتیجه علمی است که با منافع حیاتی افراد، جامعه و طبقات ارتباط بسیار نزدیک دارد.

بنابرین جای تعجب نیست اگر در باره مسائل مختلفه علم اقتصاد بین علمای این علم اختلاف است، زیرا عالم اقتصاد از جامعه برکنار نیست . بنا بر منافع طبقاتی مسائل این علم را قضاوت می‌کند.

بهمین سبب می‌توان گفت که چند نوع علم اقتصاد وجود دارد: علم اقتصاد بورژوائی

و علم اقتصاد پرولتری - و همچنین علم اقتصاد طبقات متوسط یعنی خورده

بورژوازی.

<div><span><span></span></span></div>
<div><span><span></span></span></div>

پانزده روز یکبار جلسه عادی خود را تشکیل می‌دهند. البته موضوعات فوق‌العاده از این امر استثنا است.

هیئت رئیسه در باره موضوعات مهم از قبیل تشکیل جلسه عمومی اتحادیه، اعتصابات و مظاهرات با هیئت رئیسه اداری یک جا جلسه و تصمیم اتخاذ می‌دارد. همچنان

مصارف فوق‌العاده پولی نیز باساس جلسه مشترک هیئت رئیسه و اداری صورت می‌گیرد و مصارف عادی پولی از صلاحیت هیئت رئیسه می‌باشد.

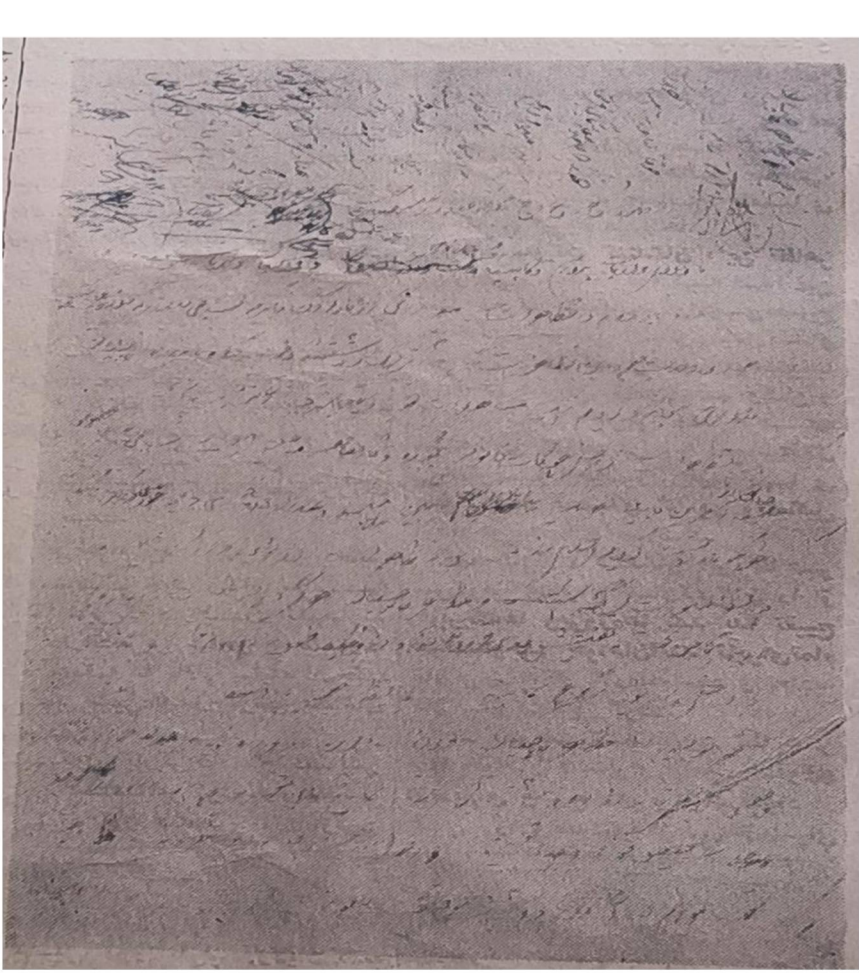
امضاء اشخاصی که پول توسط آنها از بانک کشیده و مصرف می‌گردد. امضای رئیس اتحادیه با امضاء چار نفر دیگر از اعضای هیئت رئیسه که انتخابی می‌باشند مدار اعتبار قرار داده می‌شود.

#### یک سند موثق...

موقف حکومت را در برابر این چهار نفر و شرکت نساجی به مظاهره چیان ابلاغ نماییم.

فوقاً صورت مشاهدات خود را حضور عبدالله مهنمد و عبدالواحد کاظمی و میر علی‌احمد دا کتر بوده و طوری که ما دریافت کردیم اصل منشه این تظاهرات از سوء اجراءت همین چهار نفر صورت گرفته است و مظاهره‌چیان هر گز حاضر نیستند تا زمانی که این اشخاص تحت تفتیش جدی قرار نگرفته و از وظیفه فعلی سبکدوش نشوند، بکار در داخل فابریکه شروع نمایند. ما نظر به اهمیت وظیفه کارگران و بلند بردن سطح تولید، از مظاهره چیان بعد از مذاکرات دو روزه و طولانی خواهش بردیم تا سر از شنبه بکار آغاز نمایند باین تعهد که چهار نفر الی فیصله فوری و جدی تفتیش اعمال شان داخل فابریکه نگردند و هم والی کا پیسا، دکتور خلیل احمد ابوی والی پروان.»

نیک‌محمد وکیل کوهدامن، میر علی گوهر وکیل غوربند، غلام مصطفی وکیل کتاب، امیرمحمد حسیب و کیل کو هستان، عبدالمالک ناصری وکیل شکرده، غلام سرور وکیل قربابغ، عبدالحلیم صافی وکیل مرکز کاپیسا، خواجه خلیل‌الله وکیل نجراب، غلام بهاء‌الدین وکیل جبل‌السراج، یارمحمد وکیل پنجشیر، علی‌احمد با یانی وکیل مرکز پروان، عبدالمجید جبارخیل والی کا پیسا، دکتور خلیل احمد ابوی والی پروان.»



کاپي اصل سند که امضای و کلا و والیان دران دیده میشود .

# رحم ډډ

## د افغانستان د صلك دموكراتيك انځارو خپرونكي

٦ عقرب ١٣٤٧

## د لشکرگاه کارگران‌او شاگردانو د کم رتبه مامورينو د غوښتنو ملاتړ وکړ

د پرچم خبريال د هيلمند د ولايت له مرکز لشکر گاه نه اطلاع را کوی چه د یکشنبی په ورځ د میزان په ٢٨ نيټه د هيلمند د وادی مامورينو د هغه ځای د کور جوړولو مامورينو او ښوونځيو د شاگردانو په گډون يوه مظاهره وشوه چه وروسته بيا دی مظاهری ته د رخام د ډبرو د فابریکی کارگران او همدا راز د نښای غوريو کارگران او د لشکرگاه د خلکو يوه ستره ډله ورگډه شوه او په دی سيمه کښی ېی يوه ېی ساری مظاهره روانه کړه.

خبر وایې چه پدی مظاهره کښی د لشکرگاه وطنپالونکو معلمانو او متعلمانو هم گډون کړی وو او په مظاهره کښی ېی ویناوې هم کړیدی. مظاهره کوونکو په گډه سره لاندينی شعارونه وژکړل:

موړ ډوډی غواړو، موړ جامی غواړو، موړ خپل حقوق غواړو، د تفرقه اچونکو لاس دی لنډ وي. زموړ اتحاد او پيوستون د پياوړی وی، مړ دی وی امپرياليزم. مړ دی وی ارتجاع...

خبر زیاتوی چه د مظاهری په جریان کښی ځینو مرتجعو عناصرو هڅه وکړه چه مظاهره له خپلو اساسی هدفونو څخه واړوی، مگر وطنپالونکو مترقی قوتونو، د مرتجعينو کوشښونه شنډ کړل او مظاهره ېی خپلو مطلوبو هدفونو ته توجیه کړه.

مظاهره د مازيگر په پنځو بجو پای ته ورسیده.

يو بل خبر وایې چه د میزان په ل ٢٩ نيټه د هيلمند د وادی کم رتبه مامورينو د میزان د ٢٨ د مظاهری په ادامه يو میټنگ

(د لومړی مخ پاتی)

### د عقرب د دریمې...

پيروان يو. هغه لارچه له ټولو مشکلاتو سره به په پای کی د ظلم او ستم، استبداد او ارتجاع، فيوداليزم او د امپرياليزم په ضد د افغانستان د خلکو د مبارزی په برياليتوب پای ته رسيږی.

٢- د افغانستان خلک ټول هغه کسان چه د دسيسې او فتنی اچولو له لاری هڅه کوی چه د افغانستان ملی دموکراتيک او مترقی نهضت کمزوری کړی د مبارزی اغيزه ليگاندی د ټولو رښتني، ملی دموکراتيکو او وطن پرستو ترقی غوښتونکو اتحاد او پيوستون له مينځه یوسى او په ځای ېی د مبارزانو په مينځ کی نفاق او تفرقه پيدا کړی د آزادی ښوونکی نهضت د ملی گټو په مقابل کی خاينان او د هيواد د رنځ وهلو خلکو د مصالحو ضد گټېر

٣ – د دی مظاهری گډون کوونکی د هغو قوانينو په ضد په کلکه سره اعتراض کوی چه د دموکراسی او په اساسی قانون کی د افرادو د مصرحه آزادیو ضد دی او په کلکه سر غوښتنه کوی چه د غه قوانين دی د علم او فن ملی او مترقی ثقافت د آزادی په گټه او د استعماری او ارتجاعی کلچر په

<b>پرچم</b> <p><b>هره دوشنبه خپریږی</b> <b>د امتیاز خاوند او مسؤول مدیر:</b> <b>سلیمان (لائیق)</b> <b>آدرس: غوثی مارکیټ محمد جانخان واټ . کابل افغانستان</b> <b>د یوی گڼی بیه ٢ افغانی</b></p>
--

<b>دولتی مطبعه</b>
--------------------

د پرچم خبريال له کندهار نه خبر را کوی، چه دکندهار د وړيو د اوبدلو د فابریکی کارگرانو د زیات لاس مزد د غوښتلو له کبله د میزان په ٢٩ نيټه لاس په اعتصاب پوری کړل.

خبر وایې چه کارگرانو د میزان په ٢٨ ورځ د فابریکی د سهدارانو غونډی ته يوه عریضه وړاندی کړه. په عریضه کښی لاندينی غو بښتی شوی وی:

### په کندهار کی د وړيو اوبدلو کارگرانو

### اعتصاب کړیدی

د کارگرانو معاش دی زیات شی ځکه اوسنی معاشونه ډیر غیرعادلانه او کم دی.

هر کال د فابریکی د مفاد او بیلانس تر سنجش وروسته، کارگرانو ته د یوی میاشتی معاش بخشش ورکول کیږی، خو څنگه چه سر کال د کارگرو د سخت کار او زیات زیار له کبله د فابریکی خاوندانو ډیره گټه کړیده، کارگرانو ته دی

## نمونه‌يي از تعميم و انکشاف (!) معارف در کشور

**خبريال پرچم از ولايت شبرغان اطلاع می‌دهد که يازده تن از متعلمات ښوونځي متوسطه نسوان شبرغان را که بعد از ختم امتحان سالانه در ماه جوزای سال جاری در تظاهرات اشتراک کرده بودند به معيادهاي مختلف (حداکثر تا دو سال) از مکتب طرد و از ادمه تحصيل محروم کرده اند. طردشدگان تا ختم معياد معينه حتی از حق شمول و کار در دواير دولتي نیز محروم شده اند.**

**شگفت انگرېتر اینکه در سال جاری تعداد فارغان ښوونځي ابتدائی مربوط به لیسه ابن یمين به (٩٧) نفری رسد اما جریان کانکور شمول به لیسه طوری صورت گرفت که بیش از (٣٣) نفر نتوانند موفق شوند. معلوم است که سرنويشت (٦٤) تن ديگر که خلاف قانون از حق ادامه تحصيل محروم گردیده اند، به کجا می‌انجامد!**

**اینست نمونه‌يي از تعميم و انکشاف (!) معارف و طرزالعمل مقامات مسؤول آن در کشور.**

### به اداره محترم جریده پرچم!

طوريکه شما اطلاع داريد ما کارگران انساني پلخمری بتاریخ - ٧ - جوزا يک عده مطالبات صنفی و اقتصادی خود را به مقامات ذی‌صلاحيت شرکت پيش کرديم و بتعقيب آن از طرق قانونی و مسالمت‌آمیز سعی کرديم به سهم داران نساجی بفهمانيم که ما خواستار حد اقل زندگی بحیث يک انسان هستيم . يعنی مطالبات ما طوری نبوده که ما شرايط مالی و اقتصادی موسسه را ناپديده گرفته و بصورت بالهوسی ماجراجويی و بخاطر تیره کردن اوضاع این مطالبات را پيش کشيده باشيم.

بتاریخ ١٣ جوزا هیاتی از کارگران بنمایندي از تقریباً دوئیم هزار کارگر نساجی بمرکز آمد و درینجا بارتیس عمومی (ژابلی) و دیگر رجال صاحب صلاحیت نساجی صحبت کرد و دلائل مقنع تقدیم نمود. ولی چون اولیای امور نساجی بوعدیهائی که به نمایندگان کارگران داده بودند و قعی نگذاشت و صرف بخاطر کمایي کردن وقت ظاهراً موافقت کرد. حوصله کارگران نساجی سر رفت و مطابق مادهٔ (٣٢) قانون اساسی دست باعصاب شش روزه زدن و بعد که اعتصاب بانجام رسید، مامورین حکومت و شرکت بصورت مشترک در داخل فابریک از اعتصاب کنندگان پذیرائی کرده و دسته های گل بالای شان نثار کردند، گویا حق به جانب بودن ایشان را تائید نمودند. ما کارگران کار خود را از سر گرفتیم و با مقایسه سال ١٣٤٦ سطح تولید را ٥٠ فیصد بالا بردیم و با وصف اینکه توطئه‌های وسیع و عمیق بود، سعی کرديم کاری نشود تا باعث بدنامی کارگران شود و بسود جوان و مالکان فابریکه سندی فراهم کند که بذریعۀ آن بتوانند حق‌خواهی قانونی کارگران را کدام ریشه و رنگ دیگری بدهند.

وکلای کارگران از آغاز کار بخاطر اینکه مطالبات خود را از سایه دسایس فابریکه داران دور نگهدارند از مقام دارالتحریر شاهي، صدارت و ستره‌محکمه تا تالار نمایندگان ملت یادداشت‌ها سپردند و عرض حال نمودند.

نمایندگان کارگران تمام دسایس بعدی را استشمام کرده و بمقامات متذکره یاد آور

تَذکَر

**تجلیل روز ٣ عقرب در ولایات کشور (قندهار، هرات، ننگرهار) با برگذاری میتنگ‌ها و تظاهرات پرحرارتی صورت گرفت اما اخبار آن وقتی به اداره رسید که صفحات پرچم آماده نشر بود، بنابر آن در این شماره از چاپ بازماند، در شماره آینده به تفصیل تقدیم می‌شود.**

### بازتاب و تدوین و پختمال: قاسم آسامی. مارچ ٢٠٢٣

د دوونیمو میاشتو معاش د بخشش په توگه ورکړل شی.

د فابریکی د سهدارانو مجلس د کارگرانو دغه غوښتنه رد کړه او هغوی‌پی په درویزه کولو متهم کړل. له همدی کبله د فابریکی ټولو کارگرا نو چه شمیر یی ٢٨٠ تنو ته رسیږی په بشپړ یووالی او اتحاد د میزان په ٢٩ ورځ په اعتصاب پیل وکړ او اعلان یی کړیدی چه بری ته تر رسیدلو پوری خپل اعتصاب ته دوام ورکړی، دغه اعتصاب د تېری سه شنبی تر ورځی پوری لا دوام درلود او پدی ورځ د کارگرانو د نمایندگانو (٧) کسزی‌ډی ډل دکندهار د پولیسو د نماینده تر مخ د فابریکی د رئیس په مقابل کښی د کارگرو د حقوقو دفاع وکړه.

**پرچم:** د خپلی اساسی او عمدۀ وظیفی په حیث د وړی اوبدلو د فابریکی د زیارایستونکو د اعتصاب ملاتړ کوی او په کندهار کښی له ټولو وطنپالونکو مترقی قوتونو، محافلو او اشخاصو څخه غوښتنه کوی چه د زیار ایستونکو د دی قانونی او ډیر مشروع اعتصاب ملاتړ وکړی او پری نږدی چه د هغوی پر ضد د کارفرمایانو ناروا تومتو نه او دسائس کامیاب شی.

#### نامه سرگشاده کارگران پلخمری

شدند آنان از این مقامات مطالبه کردند تا کارگران را در مطالبات مشروع و قانونی شان علیه دسایس حمایتی کنند و یا حداقل در مورد قضاوت و مشوره بدهند.

اینزا ما نمی‌دانیم که آیا صاحبان سرمایه و سهداران ې‌رحم بقدرت نفوذ و پول خود چه ها کردند و چه گونه برای مقامات عالیه عواقب تراشی نمودند - اما همینقدر می‌دانیم چیزی کردند – چیزی که واقعبیت نداشت و یکعده فرزندان وفادار وطن را بدنام، بدماش و ماجراجو نشان می‌داد.

اقدامات سرپوشیده نساجی بالاخره بتاریخ (٧) میزان نتیجه داد طوری که (٤٤) تن از کارگران و ماموران را در مرتبه اول از کار اخراج نمودند و دنباله

از (ص اول)

### قطعنامه تظاهرکنندگان...

٢ - خلق افغانستان تمام کسانی را که با دسیسه و فتنه‌انگیزی می‌کوشند جنبش آزادی‌بخش ملی و دموکراتیک و مترقی افغانستان را تضعیف نمایند و از تأثیر مبارزه بکاهند و اتحاد و همبستگی تمام نیروهای صديق ملی دموکراتیک و ترقی‌خواه وطن‌پرست را برهم زنند و در عوض نفاق و تفرقه را در میان مبارزان ایجاد کنند، خائنین به نهضت رهایی‌بخش، بمنافع ملی و ضد مصالح خلق‌های رنج‌دیده کشور می‌دانند.

٣ - شرکت کنندگان این تظاهر اعتراض شدید خود را علیه قوانین ضد دموکراتیک و ضد آزادی‌های مطرح در قانون اساسی اعلان می‌دارند و خواهان جدی تعديل قانون بوهنتون‌ها و معارف به نفع آزادی علم و فن و فرهنگ ملی و مترقی، ضد فرهنگ استعماری و ارتجاعی و به نفع استقلال بوهنتون‌ها و حقوق و آزادی‌های دموکراتیک محصلان کشور و تشکیل اتحادیه محصلان می‌باشند.

٤ - شرکت کنندگان این تظاهر سرکوبي و اخراج کارگران را از فابریکه‌ها و پروژه‌ها شدیداً تقبیح می کنند وچداً خواهان آنند تا برای تمام کارگران بیکار‌کار داده شود و اتحادیه کارگران تشکیل گردد.

٥ . شرکت کنندگان این تظاهر جدأ خواهان استقرار کامل حقوق و آزادی‌های وسیع دموکراتیک افراد از قبیل آزادی تشکیل احزاب و سازمان‌های صنفی،

شوند که ناظر گرسنگی‌های ې‌درمان فرزندان خود استند و هیچ راهی نجات نمی‌بینند، انتقام خواهند گرفت. این دیگر ممکن نیست که بمیرند و سکوت کنند. ناپود شوند و شاکر باشند.

زمستان می‌رسد و توده‌های عظیم مردم ما رنج می‌کشند. سرما از دهات تا بشهرهای کشورما و تا درون روزنه‌های تار و نمناک مردم ما نفوذ می‌کند. مردم در پهلوی فریادهای «نان» این فریادها را نیز علاوه می‌کنند: « زغال چوب، آتش!»

طبقات حاکمۀ ارتجاعی نمی‌توانند توسط مبلغین سحرکلام خود بامید امروز و فردا، بعوض «نان، لباس، منزل و وسائل زندگی» نصیحت و کلمات را بین مردم توزیع کنند.

زیرا مردم می‌پرسند چرا این سخنان را که

### ونځیره!

په مانن غمونه را چارپېر شويدي د دی غمونو په ناپايه لړو کی لوری را نه وړک دی او ستا لمن ته خپل مات لاسونه درغځوم.

زما زاری ومنه او پريږده دا زما اوچت سر چه هيڅ سرکش او زورور ته ندی کوز شوی يو ځل ستا د هنر درشل ته تیت او ودی لمانځي.

ماته و نځيره او پريږده چه يوه شيبه خپل اوږده غمونه ستا د ناپايه او توفانی نشی د سمندر په څېو کی وړک کړم.

ونځيره! داسی ونځيره لکه د آمو ستری څڼی چه زما د هیواد لوړو ا و پربندو غرونو ته نځیږی.

داسی ونځيره لکه د بدخشان د منو او ناکو غوټی چه د پامير د پسرلنی وړی څېو ته ناځی.

داسی ونځيره لکه واورو ښکی پاغندی چه زموړ د ستر هندوکش په نیغو درو کی د ژمی هېبت ته ناځی. خاوری په ذره ذره کی چه د آزادی تلوسه ناځی.

ونځيره او زما ناپايه ستومانی له ما سره وويشه، مه پرير ده چه د بندی مرغه په څير، د نورو د خوښی لپاره په پولادی پنجرو کښی زما وزر توی شی.

زما قفس ته د خپلو زنگو نو شرنګی را ورسوه او زما په پولادی زندان کسی د انسان د لویي او کرامت خوری کړه.

زما د احساس توفانونه د خپل شکلی او ژوند بخشونکی هنر به تالونو کښی وڅوڅوه او پريږده چی په ېی خودی او مستی کی د خپل پولادی قفس دروازی ماتی کړم او په گډه د خلکو د آزادی ترانی در سره وبولم. **سپنتا**

انگیزی و دسایس و اعمال ستمگرانه کارفرمایان خودسر شرکت نساجی برداشته است؛ یکبار دیگر با جدیت و قاطعیت می‌گوید که باید حقوق کارگران نساجی پلخمری و تمام کارگران اعاده گردد و کارگران اخراج شده از فابریکه‌ها و پروژه‌های ساختمانی دوباره بکار شامل شوند.

### دموکراتیک خلق افغانستان!

مرده باد استبداد، ارتجاع و امپریالیزم!

دروډ به روان همه شهیدان راه آزادی که خون آنها وثیقه آزادی، دموکراسی و استقلال ملی (سیاسی و اقتصادی) وطن محبوب ما افغانستان می‌باشد!

مستحکم باد اتحاد و همبستگی تمام نیروهای صديق ملی دموکراتیک و ترقی‌خواه وطن‌پرست!

پيروز باد مبارزه آزادی‌بخش ملی

### از (ص اول)

### ذغال، چوب...

بر ما نثار (!) می‌کنند به خود نمی‌گیرند و نانی را که خود ریوده اند بما نمی‌دهند!

در کشوری که از لحاظ منابع طبیعی حرارتی اینقدر غنی باشد. مردن و هلاک شدن مردم معنایی جز این ندارد که طبقات ستمگر حاکمه اصلاً در فکر رهاییش مردم نبوده و هرگز از لفظ بطرف عمل نمی‌گرایند. اینک زمستان فرا می‌رسد ویکبار دیگر شرط امتحان را در برابر آنانی که قدرت را بدست دارند و داد از مردم دوستی می‌زنند قرار می‌دهد. ما یکبار دیگر تذکر می‌دهیم تا حکومت دموکراتیک ملی تأسیس نگردد و تا خلق کارگر در تشکیل آن نقش و رهبری نداشته باشد هرگز کلبه‌های بینوایان گرم نخواهد شد، هر گز ذغال و برق کانون این خانواده های اکثریت محروم را گرم نخواهد کرد.

**ناهیذ**